



## چرایی و فلسفه تشریح حکم قصاص از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

ابراهیم جوانمرد فرخانی  
استادیار گروه الهیات دانشگاه گنبدکاووس  
javanmardebrahim@yahoo.com

### چکیده

در نظام کیفری اسلام، جهت حفظ و حراست از کرامت انسان و حیات اجتماعی آن، راهکارهای اساسی و بنیادین بررسی و سنجش شده، و قصاص به عنوان یکی از مؤثرترین عوامل بازدارنده، که هم عدالت اجتماعی و هم تأمین حیات شایسته، در گرو آن نهفته است، تشریح گردیده است. در همین راستا در این مقاله، اهداف و غایات تشریح حکم قصاص در اسلام مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفته است. داده های این تحقیق با روش کتابخانه ای جمع آوری و سپس به صورت توصیفی تحلیلی بررسی شده است. نتایج تحقیق نشان می دهد که هدف و فلسفه قصاص از دیدگاه اسلام رفع فساد و پاک شدن جامعه از آلودگی هایی است که حیات و زندگی اجتماعی را تهدید می کند؛ همچون غده ای سرطانی که باید با عمل جراحی آن را از بدن خارج کرد. بنابراین به جهت دفاع از حق حیات و سلامت و امنیت افراد جامعه انسانی، اسلام قصاص را مقرر کرده است.

واژه های کلیدی: اسلام، قصاص، جوادی آملی، فلسفه، حیات

### 1. مقدمه

در برخی از واژه ها، فلسفه به علمی از علوم اضافه شده است مثل: فلسفه حقوق، فلسفه هنر، فلسفه تاریخ و....

در این واژه ها، فلسفه به معنای بررسی عقلانی آن علم است. موضوع علم تاریخ، وقایع گذشته و تجزیه و تحلیل آن هاست ولی موضوع فلسفه تاریخ، خود علم تاریخ است. لیکن وقتی فلسفه احکام را مطرح می کنیم، نظر به شناخت حکمت و علل تشریح احکام از سوی خداوند داریم و درصدد هستیم تا دستاوردها و اهداف لحاظ شده در آن احکام را مورد شناسایی قرار دهیم. پس فلسفه احکام، عبارت است از ملاکها و مناطهای واقعی احکام که به عنوان مبادی حکم در نظر گرفته شده و باعث ایجاد شوق و اراده در مولا یا قانون گذار برای انشای حکم شرعی می گردد، زیرا به اعتقاد شیعه، احکام شرعی تابع یک سلسله مصالح و مفاسد واقعی است و امر و نهی شارع نیز بر آمده از این مصالح و مفاسد است که برای رساندن خیر بیشتر به انسان، لحاظ می شود. بنابراین همه احکام الهی تابع مصالح و مفاسد خفی و جلی اند، هر چند انسان از آن مصالح و مفاسد بی اطلاع باشد.

باتوجه به این رویکرد، اگر خداوند متعال به چیزی امر کرد به یقین در آن مصلحتی نهفته است که شارع مقدس از روی رحمت و اسعه ای که دارد نمی خواهد بندگانش از آن محروم گردند. همچنین اگر از چیزی نهی کرد بدین سبب است که در انجام آن مفاسد ای دامنگیر شخص می شود، که شارع مقدس با نهی خود، مکلفین را متوجه کرده تا از آن پرهیز کنند و چون شارع، خود بی نیاز بوده در تشریح احکام، جز نفع بندگان و تعالی و سعادت فردی و اجتماعی آنها چیز دیگری در نظر ندارد (جوادی آملی، 1398، ج 23، ص 583).

ما نیز تنها به اندازه اطلاعات و به میزان معلومات بشری در هر عصر و هر زمان می توانیم فلسفه و اسرار احکام را دریابیم. وقتی فرشتگان برخی از راز و رمز های خلقت را ندانند: (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ سوره بقره، آیه 30: و چون پروردگارت به فرشتگان گفت: من می خواهم در زمین جانشینی بیافرینم گفتند: در آنجا مخلوقی پدید می آوری که تباهی کنند و خون ها بریزند؟ با اینکه ما تو را به پاکی می ستائیم و تقدیس می گوئیم؟ گفت من چیزها می دانم که شما نمی دانید)، انسان عادی چگونه از حکمت تشریح و جعل احکام مطلع باشد؟ پس نه تنها حق اعتراض به احکام الهی را ندارد، بلکه باید کاملاً مطیع اوامر و نواهی الهی باشد.

بزرگترین درد جوامع اسلامی این است که هنوز فلسفه واقعی بسیاری از احکام الهی را درک نکرده اند. هر چند عارفان عالم به اسرار، هر کدام در حد خود با بیان و بنان به این امر پرداخته، و این خلاء را ترمیم کرده اند؛ در علم اخلاق و حدیث برخی مانند فیض کاشانی (رحمه الله) المحجّه البیضاء نوشتند و به اسرار و آداب و اخلاق پرداختند و عده ای در فلسفه و عرفان همانند حکیم سبزواری (رحمه الله) اسرار الحکم را به رشته تحریر درآوردند و لایه های باطنی و درونی احکام و معارف را شکافتند و جانمایه این امور را نمایان ساختند. عده ای نیز در قرآن و حدیث، همانند صدوق (رحمه الله) با نگاشتن علل الشرایع به فلسفه احکام پرداختند (جوادی آملی، 1388، ص 159).